

تأثیر هوش معنوی بر کاهش تقلب: نقش تعدیلگر توجیه تقلب

محسن علیزاده ثانی^۱
سهیل نجات^۲
محبوبه شاهی^۳
محبوبه عرب^۴

چکیده

هدف: معنویت یکی از نیازهای درونی انسان است که متضمن بالاترین سطوح زمینه‌های رشد شناختی، اخلاقی، عاطفی و تلاش همواره آدمی برای پاسخ دادن به چراهای زندگی است. از طرفی، تقلب دانشگاهی، نمایش غیر واقعی یک شخص از دانش فردی خویش بوده که متأسفانه در اکثر سازمانهای آموزشی و دانشگاههای جهان به عنوان مانع برجسته در کار تعلیم و ارزیابی مشهود است. هدف این پژوهش بررسی تأثیر هوش معنوی بر تقلب در دانشجویان و نقش تعدیلگر متغیر توجیه تقلب بوده است. **روش:** جامعه آماری پژوهش، دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه مازندران می‌باشند که از طریق نمونه‌گیری تصادفی، اطلاعات از ۴۶۰ نفر جمع‌آوری شد. برای سنجش متغیرهای پژوهش، شامل هوش معنوی، تقلب و توجیه تقلب، از پرسشنامه‌های استاندارد استفاده شد. **یافته‌ها:** نتایج به دست آمده حاکی از تأثیر منفی هوش معنوی بر تقلب در میان دانشجویان بود. همچنین نتایج نشان داد که توجیه تقلب، اثر هوش معنوی بر کاهش تقلب را تعدیل می‌کند. **نتیجه‌گیری:** بر مبنای یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود کارگزاران و مدیران حوزه آموزش عالی، در ریشه‌یابی تقلب، تنها به دانشجویان محدود نشوند؛ بلکه با تغییر نگرش دانشجویان (ارتقای هوش معنوی) و اصلاح ساختار نظام آموزشی و ارزیابی، زمینه بروز تکنیکهای خنثی‌سازی و توجیه دانشجویان در رابطه با تقلب را کاهش دهند.

واژگان کلیدی: هوش معنوی، تقلب، خنثی‌سازی، دانشگاه.

◇ دریافت مقاله: ۹۴/۰۷/۱۹؛ تصویب نهایی: ۹۵/۰۲/۲۸.

۱. دکترای مدیریت منابع انسانی؛ استادیار دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول) / نشانی: بابلسر، دانشگاه مازندران، دانشکده علوم اقتصادی اقتصادی و اداری / نامبر: ۳۵۳۰۲۵۰۲-۰۱۱ / Email: Alizadehsani@umz.ac.ir
۲. کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی، دانشگاه تهران.
۳. کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی، دانشگاه مازندران.
۴. دکترای مدیریت منابع انسانی، استادیار مؤسسه آموزش عالی راه دانش بابل.

الف) مقدمه

معنویت یکی از نیازهای درونی انسان است که در قلبها، ذهنها و آیینها، به ویژه در آیینهای مذهبی وجود دارد و در طول تاریخ بشر به شکلهای مختلفی تجلی یافته و پیرامون آن بسیار سخن گفته شده (محمدزاد و همکاران، ۱۳۸۸) و آن را می‌توان پاسخ مثبت به نیازهای درونی و گرایشهای فطری دانست که بیانگر پیوند انسان با خدا و عالم باطن است (رودگر، ۱۳۸۷). از این رو، اهمیت معنویت و رشد معنوی در انسان، در چند دهه گذشته به طور روزافزون توجه روان‌شناسان و متخصصان بهداشت روانی را به خود جلب کرده است.

هوش معنوی^۱ نوعی از هوش است که با استفاده از آن افراد قادر می‌شوند تا فعالیتها و زندگی خود را در مسیری عمیق‌تر، غنی‌تر و معنادارتر هدایت کنند. عاملی که باعث شده تا سازه معنویت در ترکیب با هوش مفهوم‌سازی شود، نتایج علمی تحقیقاتی است که نشان می‌دهند به کارگیری الگوهای معنوی و دینی در زندگی روزمره بشر می‌تواند موجب افزایش سازگاری و بهزیستی انسان شود. امونز^۲ (۲۰۰۰) با مشاهده رفتارها و حالات افراد معنوی، سازه‌های معنویت و هوش را درون یک سازه جدید ترکیب کرد و واژه هوش معنوی را به وجود آورد. از نظر او، هوش معنوی عبارت است از ظرفیت انسان برای پرسیدن سؤالات نهایی درباره معنای زندگی و ارتباط یکپارچه بین ما و دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم (حسین‌پور و همکاران، ۱۳۹۳). همچنین، هوش معنوی یک واژه نوظهور است که به طور گسترده‌ای به عنوان عنصری که بیانگر و حلال بسیاری از مشکلات زندگی است، از آن یاد شده و مورد قبول است. (هانفر^۳ و همکاران، ۲۰۱۵)

از طرفی؛ تقلب یا فریبکاری پدیده‌ای فراگیر است که نظامهای آموزشی از سالیان دور با آن روبه‌رو بوده، از بابت آن هزینه‌های زیادی را متحمل شده‌اند. این پدیده به عنوان یکی از عوامل مهم تهدیدکننده یادگیری فراگیران، مطرح و اغلب میان دانشجویان به اندازه‌ای است که اکثر آنها نوعی بی‌صدافتی تحصیلی را در طول دوران تحصیل خود گزارش کرده‌اند (مرداک^۴ و همکاران، ۲۰۰۸). نرخ تقلب در ۳۰ سال گذشته به طور منظم در حال افزایش بوده و با پیشرفت فناوری‌های جدید به حدی شایع شده که می‌توان آن را معضلی همه‌گیر در مراکز آموزشی دانست (مرداک و آندرمین^۵، ۲۰۰۶)؛ به گونه‌ای که پژوهشهای دانشگاهی اخیر نشان داده است که بیش از ۶۰ درصد دانشجویان حداقل چند مورد از مشارکت در رفتارهای متقلبانه را در طول تحصیلشان در دانشگاه گزارش کرده‌اند (علی‌رودی‌نیا و صالح‌نژاد، ۱۳۹۲). بنابر این، لازم است عوامل اثرگذار بر این بی‌صدافتی تحصیلی شناخته شوند تا با اتخاذ راهکارهای مناسب، به نوعی آن را کاهش داد. همچنین

1. *Spiritual Intelligence*
 2. *Emmons*
 3. *Hanefar*
 4. *Murdock*
 5. *Anderman*

تأثیر هوش معنوی بر کاهش تقلب: نقش تعدیلگر توجیه تقلب \diamond ۲۹۵

در این پژوهش نقش تعدیلگر توجیه تقلب که برگرفته از نظریه خنثی‌سازی است، در رابطه بین هوش معنوی و تقلب دانشجویان بررسی شده است.

ب) مبانی نظری

۱. هوش معنوی

هوش معنوی در بر دارنده نوعی سازگاری و رفتار حل مسئله است که بالاترین سطوح رشد در حیطه‌های مختلف شناختی، اخلاقی، هیجانی و بین فردی را شامل می‌شود و فرد را در جهت هماهنگی با پدیده‌های اطرافش و دستیابی به یکپارچگی درونی و بیرونی یاری می‌کند. این هوش، دیدی کلی به فرد در مورد زندگی و همه تجارب و رویدادها می‌دهد و او را قادر می‌سازد به چارچوب‌بندی و تغییر مجدد تجارب خود پرداخته، شناخت و معرفت خویش را عمق بخشد (یدالله‌پور و فاضلی، ۱۳۹۳). هوش معنوی، شکلی از هوش بر اساس عمیق‌ترین مفاهیم و نیازهای افراد برای رسیدن به یک هدف وجودی والاتر است. کیفیت و کمیت هوش معنوی را نمی‌توان مانند هوش عددی به صورت خطی، منطقی و عقلانی سنجید. معنویت، شکلی از هوش تلقی می‌شود؛ زیرا عملکرد و سازگاری فرد را پیش‌بینی و قابلیت‌هایی را مطرح می‌کند که وی را قادر می‌سازد به حل مسائل پرداخته، به اهدافش دسترسی داشته باشد. (عبدالرحمان و همکاران، ۲۰۱۵)

افراد با هوش معنوی بالا، در حین قضاوت، توانایی منصفانه و دلسوزانه رفتار کردن را دارند. هوش معنوی زمینه‌ساز دستیابی انسان به معنای زندگی است که از سه جنبه هدفداری، ارزشمندی و کارکرد زندگی تشکیل می‌شود (صمدی، ۲۰۰۶). از دیدگاه کینگ^۱ (۲۰۰۸)، هوش معنوی به عنوان مجموعه‌ای از ظرفیتهای ذهنی تعریف می‌شود که در وحدت و یکپارچگی و کاربرد انطباقی جنبه‌های غیر مادی و مافوق هستی فرد و رسیدن به نتایجی از قبیل اندیشه وجودی عمیق، بهبود معنا و شناخت خویشتن، برتر است و دارای چهار بعد اساسی می‌باشد:

- **تفکر انتقادی وجودی:** ظرفیت تفکر انتقادی وجودی نسبت به متافیزیک و مربوط به هستی، جهان، زمان، فضا، مرگ و غیره؛
- **ایجاد معنای شخصی:** توانایی استفاده از تجارب فیزیکی و روحی برای ایجاد معنا و هدف شخصی؛
- **آگاهی متعالی:** توانایی شناسایی جنبه‌های متعالی خویشتن، جهان و دیگران با استفاده از هوشیاری؛
- **توسعه موقعیت هوشیاری:** توانایی ورود به موقعیتهای معنوی بالاتر، از جمله تفکر عمیق، نیایش و مراقبه و خروج از آن. (کینگ، ۲۰۰۸)

هوش معنوی در اسلام بیانگر قدرت درونی انسان است که از روح، قلب، احساس، ایمان عمیق، بروز رفتارهایی بر مبنای قوانین خداوند و ویژگی‌های خوب برمی‌آید. همچنین هوش معنوی در اسلام شامل حفظ یک رابطه خوب با خدا و رابطه مطلوب بین انسان و طبیعت است. ابعاد اصلی هوش معنوی در اسلام عبارتند از: روح، قلب، نفس، عقل، ایمان، عبادت و اخلاق. این ابعاد برگرفته از رفتار، نگرش و ارزشهای ارائه شده توسط پیامبر اسلام (ص) می‌باشند. (عبدالرحمان و همکاران، ۲۰۱۵، بهارالدین و اسماعیل، ۲۰۱۵)

۲. تقلب دانشگاهی

تقلب دانشگاهی،^۱ نمایش غیر واقعی یک شخص از دانش فردی خویش یا وانمود کردن خویش به مثابه فردی باسواد و آگاه با استفاده از راه‌ها و شیوه‌های دروغین و فریب‌آمیز تعریف شده است (تس و تکایا، ۲۰۱۰؛ نقل از: علیوردی‌نیا و صالح‌نژاد، ۱۳۹۲). در این رفتار، یک دانشجو به دنبال کسب اعتبار برای خود با استفاده از روشهای غیر مجاز یا اطلاعات ساختگی در آزمونهای دانشگاهی یا جعل اسناد علمی است که باعث آسیب رساندن به کار علمی دیگران شده یا به دانشجویان دیگر با روشهای نادرست کمک می‌شود. تقلب تأثیر مخربی بر کیفیت آموزشی و اطمینان از ارزیابی دارد. این رفتار انحرافی نه تنها به دانشجویان آسیب می‌رساند، بلکه به شهرت مؤسسه آموزشی نیز آسیب وارد می‌کند (منگ^۲ و همکاران، ۲۰۱۴). اثرهای فرسایشی و منفی پدیده تقلب علمی از آن رو اهمیت دارد که مراکز علمی و صاحبان قلم و اندیشه و نیز قشر دانش‌آموخته، گروه مرجع و نماد فضیلت و اخلاق و کانون هنجارسازی تلقی می‌شوند. به دلیل این شأن و جایگاه است که تقلب علمی آنگاه که به قشر دانش‌آموخته جامعه منتسب شود، به عامل فروپاشی بنیانهای اخلاقی جامعه در زمینه‌های وسیع‌تر تبدیل خواهد شد (فعلی و همکاران، ۱۳۹۳). از عوامل عمده تقلب می‌توان به مواردی همچون: عدم درک درست از آنچه سرقت ادبی نام دارد، افزایش بهره‌وری، عدم مدیریت زمان، ارزشهای شخصی، عدم احترام به قدرت، نگرش منفی نسبت به اساتید یا کلاس، وسوسه استفاده از فرصت، عدم بازدارندگی، بحرانهای شخصی و فشار همسالان، اشاره کرد. کریری^۳ سه عامل «فشار، فرصت و توجیه» را عوامل مؤثر در وقوع تقلب می‌داند؛ به گونه‌ای که بدون وجود این سه شرط، تقلب به جایی ختم نمی‌شود. بنابر این، برای اینکه یک تقلب انجام شود، باید سه عامل انگیزه، فرصت و توجیه وجود داشته باشد؛ بدین معنی که شخص تحت فشار خاصی (مثلاً مطالعه ناکافی) انگیزه تقلب پیدا می‌کند و دنبال فرصتی است تا آن را به واقعیت برساند و سپس با دلیل تراشی نزد خود، عمل متقلبانه خود را توجیه می‌کند.

1. Academic Cheating
2. Tas and Tekkaya
3. Meng
4. Donald Cressley

تأثیر هوش معنوی بر کاهش تقلب: نقش تعدیلگر توجیه تقلب \diamond ۲۹۷

در تقلب به فرصت برای ارتکاب تقلب یا مقدار زیادی سختی و فشار و مقداری توجیه عقلی نیاز است تا فرد انگیزه برای ارتکاب تقلب را پیدا کند. (وکیلی فرد و همکاران، ۱۳۸۸)

سرایت تقلب دانشگاهی به اندازه‌ای است که در گستره گیتی مشاهده شده و انواع روشهای خاص و حتی غیر قابل تشخیص به خود می‌گیرد. در اکثر مواردی که افراد مبادرت به تقلب نمی‌کنند، می‌دانند که اگر تقلب کنند، گرفتار می‌شوند و مورد تحقیر و تنبیه استاد قرار می‌گیرند، ولی آیا آنها می‌آموزند که تقلب عملی نادرست است؟ استفاده از ابزار کنترل خارجی، آزادی عمل شخص را محدود کرده، از این رو حتی انگیزه‌های نیرومندتری را برای انجام عمل ممنوعه پدید می‌آورد؛ در حالی که یکی از راههای بسیار مؤثر برای جلوگیری از اعمال ناشایست مانند تقلب، درونی کردن ارزشهاست. در واقع؛ پایبندی به اعتقادات معنوی که کنترل‌کننده رفتار و احساسات آدمی است، فرد را به این واقعیت که تقلب کردن ذاتاً عمل ناشایست و ناپسندی است و با صفات شخصیتی وی ناسازگار است، مواجه می‌کند و این همان درونی کردن ارزشهاست؛ فرایندی که بدون وجود هر گونه پیامد یا بازخوردی فرد را نسبت به عمل، جذب یا دفع می‌کند. در این حالت، دیگر فرد این عمل را آنقدر ناپسند می‌داند که به خود اجازه نمی‌دهد هنگامی که رفتارش تحت مراقبت نیست یا مورد غفلت مراقبان امتحان قرار گرفته است، مرتکب این عمل شود. تحقیقات نیز نشان می‌دهد میان باورهای اخلاقی دانشجویان با میزان وقوع تقلب رابطه‌ای معکوس و معنادار وجود دارد (یعقوبی، ۱۳۸۸). بنابر این، با توجه به نقش عوامل درونی در کاهش تقلب و همچنین مفهوم هوش معنوی، فرضیه اول این پژوهش به صورت ذیل ارائه شده است:

فرضیه اول: هوش معنوی رابطه منفی و معناداری با تقلب دانشجویان دارد.

۳. توجیه یا نظریه خنثی‌سازی^۱

در عین حال که نتایج تحقیقات بیانگر تأثیر قابل توجه معنویت بر کاهش افکار و رفتارهای ناکارآمد همچون تقلب است (سمیاری و همکاران، ۱۳۹۴؛ یعقوبی، ۱۳۸۸)، اما برخی تحقیقات این رابطه معنادار را گزارش نکرده‌اند؛ به عنوان نمونه، در تحقیق بی‌باک و دهقان (۱۳۹۳) رابطه معنادار بین شناخت دینی و نگرش نسبت به تقلب مورد تأیید واقع نشده است. همچنین در پژوهش علیخواه و همکاران (۱۳۹۳) یافته‌ها حاکی از آن است که امتحانات در سیستم آموزشی کشورمان از مسئله سنجشی به یک مسئله ارزشی تبدیل شده و این تبدیل نابجا، عاملی در افزایش میزان تقلب در بین دانشجویان بوده است و محققان در پی ریشه‌یابی دلایل تقلب، از نظریه تکنیکهای خنثی‌سازی سایکز و ماتزا استفاده کرده‌اند. لذا سهم دانش‌افزایی پژوهش پرداختن به نقش یک متغیر تعدیلگر یا به عبارتی خنثی‌کننده در رابطه هوش معنوی و تقلب است. نظریه

خنثی‌سازی الگویی را برای تبیین کجروی و تخلف ارائه کرده که عناصری از نظریه‌های یادگیری، برچسب‌زنی و کنترل اجتماعی را در خود جای داده است. استدلال بر این است که در اصل، بزهکاری عمدتاً مبتنی بر گسترش دفاع از جرائم است که به شکل ارائه توجیحات برای کجروی‌هایی ارائه می‌شود که توسط بزهکار، صحیح و از نظر نظام حقوقی یا جامعه بزرگ‌تر، ناصحیح تلقی می‌شود. این توجیحات عموماً به عنوان دلیل تراشی توصیف می‌شوند. آنها معمولاً به عنوان مؤید رفتار انحرافی و به عنوان حفاظت‌کننده فرد از سرزنش خود و دیگران بعد از عمل دیده می‌شوند. سایکز و ماتزا^۱ (۱۹۵۷) این توجیحات رفتار انحرافی را «تکنیک‌های خنثی‌سازی» نامیدند. آنان پنج تکنیک خنثی‌سازی را شناسایی کردند که عبارتند از:

- **عدم پذیرش مسئولیت:**^۲ متقلبین با استفاده از این تکنیک، رفتار انحرافی خود را تقصیر عوامل بیرونی نظیر حفظی بودن مطالب و متوالی بودن امتحانات می‌دانند.
- **انکار زیان:**^۳ افرادی که برای توجیه رفتار انحرافی خود از این تکنیک استفاده می‌کنند، عقیده دارند که این رفتار انحرافی (تقلب) آنان هیچ ضرر و زبانی به کسی وارد نمی‌کند. توجیه دانشجویان در این بخش آن بوده که بر فرض اگر از مطالب فرد مجاور یا دانشجوی دیگری استفاده کرده‌اند، ضرری متوجه او نشده یا حقی از او ضایع نشده است.
- **سرزنش سرزنش‌کنندگان:**^۴ دانشجویان با استفاده از این تکنیک در پی اثبات این هستند که افرادی که آنها را مورد سرزنش قرار می‌دهند، عامل رفتار انحرافی‌اند نه خودشان. در واقع؛ سرزنش‌کنندگان دانشجویان، خود مورد سرزنش دانشجویان واقع می‌شوند.
- **انکار آسیب‌دیده:**^۵ این تکنیک در پی این امر است که دانشگاه امروزی مستحق تقلب است. دانشجوی معتقد است که کار بدی از او سرزده است، بلکه جامعه و دانشگاهی با چنین وضعیتی، شایسته و مستحق تقلب است. فرد با تقلب به نوعی از جامعه خود انتقام می‌گیرد.
- **اظهار و ادعای وفاداری به دیگران:**^۶ در این تکنیک نیز اظهار و ادعای وفاداری به دیگران، به خصوص دوستان، توجیه عمل قرار می‌گیرد. فرد ارزشهای گروه کوچک را به ارزشهای حاکم جامعه

1. Sykes and Matza
 2. Denial of Responsibility
 3. Denial of Injury
 4. Condemnation of the Condemners
 5. Denial of the Victim
 6. Appeal to Higher Loyalties

تأثیر هوش معنوی بر کاهش تقلب: نقش تعدیلگر توجیه تقلب ۲۹۹

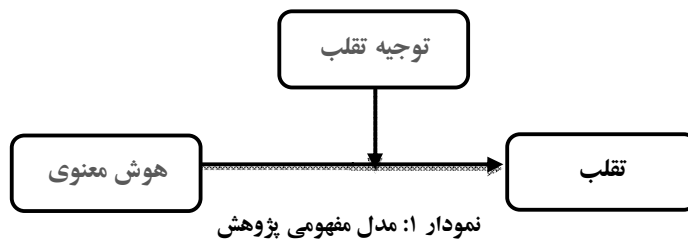
ترجیح و خود را به آنها وفادار تر می‌داند. در واقع؛ آنها ارزشمندتر بودن رفاقت را علت رفتار تقلب

خود بیان می‌کنند. (علیخواه و همکاران، ۱۳۹۳)

با توجه به کارکرد تکنیکهای توجیه، فرضیه دوم این پژوهش به صورت ذیل ارائه شده است:

فرضیه ۲: توجیه تقلب، رابطه میان هوش معنوی و تقلب را تعدیل می‌کند.

با توجه به فرضیه‌های مطرح شده، مدل مفهومی پژوهش در نمودار ۱ ارائه شده است.



ج) روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و گردآوری اطلاعات آن، توصیفی از نوع پیمایشی - همبستگی است. جامعه آماری پژوهش، دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه مازندران (۳۴۰۳ نفر) است. بر اساس جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۰)، حداقل حجم نمونه، ۳۴۶ نفر تعیین شد. برای اطمینان از جمع‌آوری حداقل نمونه، تعداد ۵۰۰ پرسشنامه در بازه زمانی امتحانات پایان ترم بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی به صورت تصادفی توزیع و در نهایت تعداد ۴۶۰ پرسشنامه جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل شد. برای سنجش متغیر هوش معنوی از پرسشنامه هوش معنوی کینگ^۱ استفاده شد. پرسشنامه هوش معنوی کینگ دارای ۲۴ ماده بوده و هدف آن، سنجش میزان هوش معنوی از ابعاد مختلف (تفکر وجودی انتقادی، تولید معنای شخصی، بسط حالت هشیاری، آگاهی متعالی) است. متغیر توجیه تقلب از طریق پرسشنامه هاینس و همکاران (۱۹۸۶) که توسط منگ و همکاران (۲۰۱۴) بازنگری شده، مورد سنجش قرار گرفت که شامل ۹ سؤال در برگیرنده ابعاد تمایل به وفاداری بالا، انکار مسئولیت، انکار آسیب رساندن و انکار قربانی است. همچنین متغیر تقلب به وسیله پرسشنامه منگ و همکاران (۲۰۱۴) در ۱۰ سؤال شامل تقلب در زمینه‌های تحقیق، امتحان، حضور در کلاس و ارجاع‌نویسی سنجیده شد. برای بررسی پایایی پرسشنامه، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده که نتایج آن در جدول ۱ بیانگر پایایی پرسشنامه پژوهش است. (بیش از ۰/۷)

1. The Spiritual Intelligence Self-Report Inventory (SISRI)

جدول ۱: تعداد سؤالات و ضریب آلفای کرونباخ متغیرها

متغیر	تعداد سؤال	ضریب آلفای کرونباخ
هوش معنوی	۲۴	۰/۸۸۵
تقلّب	۱۰	۰/۹۳۲
توجه تقلّب	۹	۰/۸۴۴

د) یافته‌های پژوهش

۱. آمار توصیفی پژوهش

جامعه آماری این پژوهش، دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه مازندران می‌باشند. اطلاعات جمعیت‌شناختی نمونه آماری، شامل جنسیت، مقطع تحصیلی، سن دانشجویان و میانگین متغیرهای تحقیق برای هر یک از آنها در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخگویان

ویژگی	ابعاد	فراوانی	درصد	میانگین هوش معنوی	میانگین تقلّب	میانگین توجه تقلّب
جنسیت	دختر	۱۹۳	۴۱/۹	۳/۱۷۷	۱/۸۶۵	۲/۶۲۲
	پسر	۲۶۷	۵۸/۱	۳/۱۵۷	۲/۲۷۳	۲/۷۸۴
مقطع تحصیلی	کارشناسی ارشد	۳۸۸	۸۴/۳	۳/۱۸۰	۲/۰۹۹	۲/۷۵۴
	دکتری	۷۲	۱۵/۷	۳/۱۳۶	۱/۸۹۳	۲/۴۴۳
سن	۲۲ تا ۲۴ سال	۲۵۷	۵۵/۸	۳/۲۳۳	۱/۷۳۳	۲/۴۵۹
	۲۴ تا ۲۶ سال	۱۶۴	۳۵/۶	۳/۱۰۱	۲/۱۲۸	۲/۷۱۹
	۲۶ تا ۲۸ سال	۳۱	۷/۰	۳/۰۷۳	۲/۶۰۴	۳/۱۶۶
	بالای ۲۸ سال	۸	۱/۶	۳/۱۲۱	۳/۲۶۷	۳/۴۵۵

۲. آزمون فرضیه‌های پژوهش

برای تحلیل داده‌ها و انتخاب نوع آزمونهای مربوط، نخست باید وضعیت نرمال بودن متغیرها بررسی شود؛ زیرا اگر متغیرها نرمال باشند، مجازیم هم از آزمون پارامتریک و هم از آزمونهای ناپارامتریک استفاده کنیم. برای سنجش نرمال بودن توزیع جامعه با کمک نرم‌افزار SPSS22، چولگی و کشیدگی داده‌های به دست آمده بررسی شد. نتایج آزمونهای سنجش، نرمال بودن داده‌ها در جدول ۳ قابل مشاهده است.

جدول ۳: نتایج نرمال بودن متغیرها

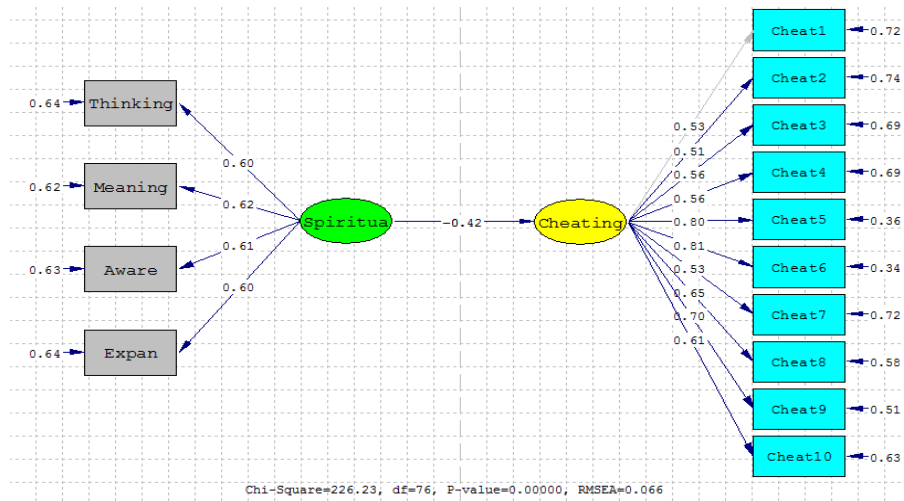
متغیرها	چولگی	خطای استاندارد چولگی	کشیدگی	خطای استاندارد کشیدگی
هوش معنوی	-۰/۶۲۰	۰/۱۱۴	-۰/۳۸۱	۰/۲۲۷
تقلّب	۱/۰۹۴	۰/۱۱۴	۰/۹۸۳	۰/۲۲۷
توجه تقلّب	-۰/۰۲۶	۰/۱۱۴	-۰/۷۲۴	۰/۲۲۷

تأثیر هوش معنوی بر کاهش تقلب: نقش تعدیلگر توجیه تقلب \diamond ۳۰۱

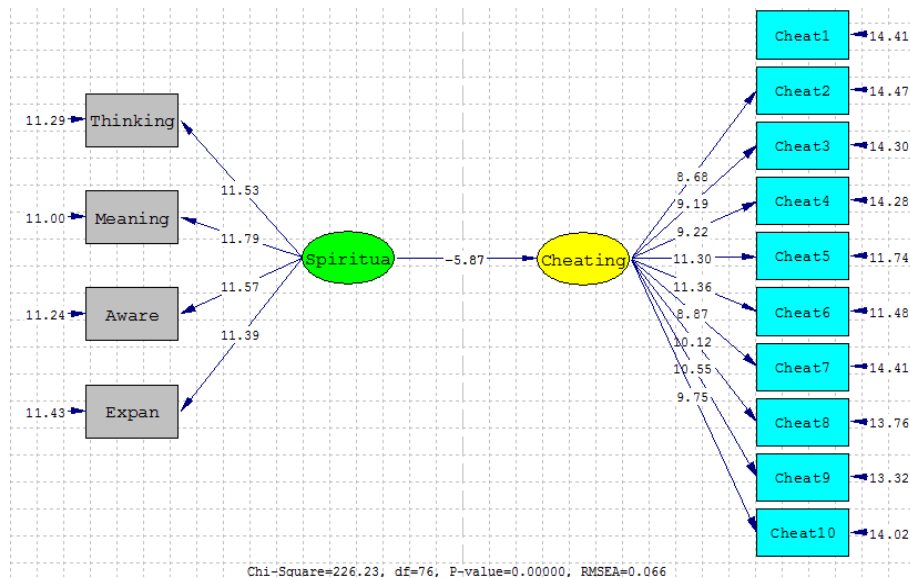
همان‌طور که از جدول ۴ استنباط می‌شود، متغیرها رویه و توزیع مناسبی دارند؛ زیرا برای داده‌های نرمال، کشیدگی کمتر از ۷ و چولگی بین ۳+ و ۳- پیشنهاد شده که با توجه به داده‌های بالا، بیانگر نرمال بودن تمام متغیرهاست.

یک) آزمون فرضیه اول

برای آزمون فرضیه اول، از مدل‌سازی معادلات ساختاری به کمک نرم‌افزار لیزرل استفاده شده است که نتایج آن در نمودارهای ۲ و ۳ قابل مشاهده و بیانگر رابطه معنادار و منفی میان هوش معنوی و تقلب دانشجویان و تأیید فرضیه اول است.



نمودار ۲: مدل مفهومی پژوهش در حالت ضرایب استاندارد



نمودار ۳: مدل مفهومی پژوهش در حالت اعداد معناداری

همان‌طور که نمودار ۲ نشان می‌دهد، هوش معنوی تأثیر منفی (۰/۴۲-) بر تقلب دارد و نمودار ۳ نیز معنادار بودن این تأثیر (۵/۸۷-) را نشان می‌دهد. همچنین، جدول ۴ شاخصهای برازش مدل را نشان می‌دهد که نشان‌دهنده تأیید کلیت مدل است.

جدول ۴: شاخصهای نیکویی برازش

شاخصها	GFI	AGFI	RFI	IFI	CFI	NFI	NNFI	RMSEA	$\frac{\chi^2}{df}$
معیار	>۰/۹	>۰/۹	>۰/۹	>۰/۹	>۰/۹	>۰/۹	>۰/۹	<۰/۰۸	بین ۱ تا ۳
مشاهده شده	۰/۹۳	۰/۹۱	۰/۹۳	۰/۹۶	۰/۹۶	۰/۹۴	۰/۹۵	۰/۰۶۶	۲/۹۷

دو) آزمون فرضیه دوم

نقش تعدیلگر توجیه تقلب در رابطه بین هوش معنوی و تقلب، از طریق تحلیل رگرسیون بررسی شد. جدول ۵ حاوی تحلیل واریانس رگرسیون برای بررسی وجود رابطه تعدیلگری توجیه تقلب است. با توجه به اینکه سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است، فرض خطی بودن رابطه تأیید می‌شود. (نجاری و همکاران، ۱۳۹۲)

تأثیر هوش معنوی بر کاهش تقلب: نقش تعدیلگر توجیه تقلب

جدول ۵: تحلیل رگرسیون مربوط به نقش تعدیلگر توجیه تقلب در رابطه بین هوش معنوی و تقلب

نقش تعدیلگر	الگو	تغییرات	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	F	R	R ²	Sig
توجیه تقلب	همزمان	رگرسیون	۶۳/۸۲۵	۳۱/۹۱۳	۷۸/۰۸۰	۰/۵۰۵	۰/۲۵۵	۰/۰۰۰
		باقیمانده مجموع	۱۸۶/۷۸۵ ۲۵۰/۶۱۰	۰/۴۰۹				

جدول ۶ بیانگر ضرایب رگرسیون استاندارد و غیراستاندارد برای هوش معنوی و توجیه تقلب و نیز آماره t می‌باشد. مشاهده می‌شود که سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ و بیانگر آن است که توجیه تقلب، رابطه بین هوش معنوی و تقلب را تعدیل می‌کند. (نجاری و همکاران، ۱۳۹۲)

جدول ۶: ضرایب رگرسیون استاندارد و غیر استاندارد و آماره t متغیرهای پژوهش

Sig	آماره t	ضرایب غیراستاندارد		الگوی رگرسیون
		Beta	Std.Error	
۰/۰۰۰	۰۹/۳۲۷	-	۰/۱۸۳	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	-۰۳/۸۲۲	-۰/۱۷۳	۰/۰۳۱	هوش معنوی
۰/۰۰۰	۸/۸۸۱	۰/۴۰۲	۰/۰۳۰	توجیه تقلب

هـ) نتیجه گیری و پیشنهادها

هوش معنوی بیانگر مجموعه‌ای از توانایی‌ها، ظرفیتها و منابع معنوی است که کاربست آنها موجب افزایش انطباق‌پذیری و در نتیجه، ارتقای سلامت روان افراد می‌شود (کینگ، ۲۰۰۸). یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که بین هوش معنوی و تقلب، همبستگی وجود دارد و این دو متغیر با هم رابطه منفی معناداری دارند. این نتایج با مطالعات یعقوبی (۱۳۸۸) مطابقت و همخوانی دارد.

نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که افراد با هوش معنوی بالا، تمایل کمتری به استفاده از تقلب در دانشگاه دارند. تأیید این فرضیه همراستا با تحقیق سمیاری و همکاران (۱۳۹۴) نشان می‌دهد

۳۰۴ ♦ فرهنگ در دانشگاه اسلامی ۱۹

افرادی که گرایش معنوی بیشتری دارند، از نظر پابندی به اصول اخلاقی در سطح بالاتری اند و عزت نفس بیشتری دارند و در نتیجه، در آنان گرایش به تقلب پایین تر است.

با توجه به این یافته پژوهش و بر مبنای راهکارهای ارتقای هوش معنوی که در مبنای نظری مطرح شدند، برای ارتقای ابعاد هوش معنوی به کارگزاران بخش آموزش عالی و همچنین متولیان حوزه‌های فرهنگی در دانشگاه پیشنهاد می‌شود که به جای برخورد صرفاً تخلفاتی با پدیده تقلب، با پرورش و احیای تفکر انتقادی در میان دانشجویان نسبت به این موضوع، زمینه‌های کسب معرفت و آگاهی آنها نسبت به پیامدهای مخرب تقلب بر فرد و جامعه را فراهم آورند.

اما مطابق با نتیجه به دست آمده از فرضیه دوم، رابطه منفی هوش معنوی و تقلب به شدت تحت تأثیر متغیر تعدیلگر توجیه قرار می‌گیرد و تأثیر هوش معنوی بر کاهش تقلب را تعدیل یا خنثی می‌کند. به عبارتی؛ بر مبنای نظریه خنثی‌سازی سایکر و ماتزا (۱۹۵۷) دانشجویان متقلب با استفاده از تکنیکهای عدم پذیرش مسئولیت، عدم پذیرش زیان و صدمه، سرزنش سرزنش کنندگان، عدم پذیرش قربانی و وفاداری به ارزشهای گروه، رفتار انحرافی خود را توجیه کرده‌اند. این یافته پژوهش حاضر، با نتایج مطالعه کیفی انجام شده توسط علیخواه و همکاران (۱۳۹۳) در زمینه نقش قابل تأمل توجیه در اقدام به تقلب از سوی دانشجویان، همراستا می‌باشد. لذا پیشنهاد می‌شود محققان و کارگزاران بخش آموزش عالی، در ریشه‌یابی تقلب و پیگیری دلایل انجام آن، تنها به دانشجویان محدود نشوند. اقدامات پیشگیرانه در ارتباط با موضوع نیز در دو بخش تغییر نگرش دانشجویان (فرهنگی)؛ مانند آگاهی دادن نسبت به پیامدهای تقلب، درونی کردن ارزشها و پابندی به اصول اخلاقی، ایجاد انگیزه و رغبت هر چه بیشتر دانشجویان برای فراگیری دروس است که در این بخش می‌توان به خوبی از هوش معنوی برای تغییر نگرش دانشجویان بهره برد و بخش دوم؛ اقداماتی برای اصلاح ساختاری نظام آموزشی و ارزیابی می‌باشد تا زمینه بروز تکنیکهای خنثی‌سازی و توجیه در دانشجویان در رابطه با تقلب ایجاد نشود.

با توجه به اینکه جامعه آماری پژوهش حاضر محدود به دانشگاه مازندران به عنوان یک دانشگاه دولتی بود، لذا محققان و مدیران در تعمیم یافته‌های این تحقیق به سایر واحدهای آموزش عالی، باید دیگر متغیرها همچون: نوع دانشگاه (دولتی، غیر انتفاعی، آزاد و...)، منطقه جغرافیایی و فرهنگ حاکم بر آن منطقه را مد نظر قرار دهند. اما به هر حال، وجود تقلب در نظام آموزشی کشور و به طور خاص

تأثیر هوش معنوی بر کاهش تقلب: نقش تعدیلگر توجیه تقلب ۳۰۵ ◆

در دانشگاهها که یکی از نهادهای جامعه پذیر نمودن جوانان است، زنگ خطر است مبنی بر اینکه قوانین بخشهایی از جامعه دچار مشکل جدی و نیازمند بازنگری است.



منابع

- بی‌باک، اسماعیل و منصور دهقان منشادی (۱۳۹۳). «بررسی رابطه بین جهت‌گیری مذهبی و نگرش دانشجویان نسبت به تقلب». *همایش ملی علوم تربیتی و روان‌شناسی*.
- حسین‌پور، محمدحسین؛ علی یونسیان، احمد خسروی، یگانه صباغ و سکینه کلاهدوزان (۱۳۹۳). «بررسی چگونگی ارتباط هوش معنوی و هوش هیجانی با سلامت روان در دانشجویان». *دانش و تندرستی*، ش ۲: ۱۷-۱۱.
- رودگر، محمدجواد (۱۳۸۷). «تجدید دین به معنویت در جریانهای معنوی نوپدید». *کتاب نقد*، ش ۴۶.
- سمیاری، حسن؛ مجیده هروی کریموی، ملیحه نصیری و فاطمه عربی (۱۳۹۴). «بررسی ارتباط بین هوش معنوی و سلامت عمومی دانشجویان». *روان پرستاری*، ش ۱: ۵۸-۴۷.
- علیخواه، فردین؛ مهدی بولانگی و هدا یاقوتی (۱۳۹۳). «تقلب در امتحان: تگاهی از درون». *راهبرد فرهنگ*، ش ۲۷: ۱۸۸-۱۶۱.
- علیوردی‌نیا، اکبر و صالح صالح‌نژاد (۱۳۹۲). «بررسی عوامل مؤثر در اقدام به تقلب دانشجویان». *اخلاق در علوم و فناوری*، ش ۸(۱): ۹۳-۸۵.
- فعلی، سعید؛ سعید صفرپور و سلیمان رسولی آذر (۱۳۹۳). «عوامل مؤثر بر تقلب دانشجویان در آزمونهای دانشگاهی». *پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ش ۷۱: ۷۷-۵۷.
- محمدنژاد، حبیب؛ صدیقه بحیرایی و فائزه حیدری (۱۳۸۸). «مفهوم هوش معنوی مبتنی بر آموزه‌های اسلام». *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، ش ۲: ۱۱۶-۹۶.
- نجاری، رضا؛ حسن دانایی‌فرد و محمدجواد حضوری (۱۳۹۲). «بررسی و تبیین نقش سرمایه روان‌شناختی در پیامدهای سازمانی». *مدیریت سازمانهای دولتی*، ش ۱ (۲): ۳۶-۲۳.
- وکیلی‌فرد، حمیدرضا؛ سعید جبارزاده کنگرلوئی اکبر پور و رضا سلطان احمدی (۱۳۸۸). «بررسی ویژگیهای تقلب در صورتهای مالی». *حسابدار*، ش ۲۱۰: ۴۱-۳۶.
- یدالله‌پور، محمدهادی و مهناز فاضلی کبری (۱۳۹۳). «بررسی تطبیقی مفهوم هوش معنوی از منظر روان‌شناسی و اسلام». *اسلام و سلامت*، ش ۱: ۵۷-۴۸.
- یعقوبی، ابوالقاسم (۱۳۸۸). «بررسی رابطه هوش معنوی با میزان شادکامی دانشجویان دانشگاه بوعلی همدان». *پژوهش در نظامهای آموزشی*، ش ۴۱: ۱۰۵-۹۲.
- Abdul Rahman, Z. & I. Md Shah (2015). "Measuring Islamic Spiritual Intelligence". *International Accounting and Business Conerence*, 31, 134-139.
- Alikhah, F.; M. Boolaghi & H. Yaghooti (2014). "Cheating on Exams; Look from the Inside". *Strategy for Culture*, 27: 161-188.
- Aliverdinia, A. & S. Salehnejad (2013). "Study of Factors Affecting Attempting to Cheat Students". *Ethics in Science andTechnology*, 8 (1): 85-93.

تأثیر هوش معنوی بر کاهش تقلب: نقش تعدیلگر توجیه تقلب ۳۰۷

- Baharuddin, E. & Z. Ismail (2015). "7 Domains of Spiritual Intelligence from Islamic Perspective". *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 21 (1): 568-577.
- Bibak, E. & M. Dehghan (2014). "The Relationship between Religious Orientation and Students Attitude about Cheating". *National Conference on Education and Psychology*.
- Emmons, R.A. (2000). "Is Spirituality an Intelligence? Motivation, Cognition and the Psychology of Ultimate Concern". *The International Journal for the Psychology of Religion*, 10 (1): 3-26.
- Fealy, S.; S. Safar Pour & S. Rasouli Azar (2014). "Effective Factors on Students' Cheating Behaviors on Exams". *Research and Planning in Higher Education*, 71: 57-77.
- Haines, V.J.; G.M Kiefhoss, E.E. LaBeff & R Clark (1986). "College Cheating: Immaturity, Lack of Commitment, and Neutralizing Attitude". *Research in Higher Education*, 25: 342-354.
- Hanefar, S.H.; S. Siraj & C. Saari (2015). "The Application of Content Analysis toward the Development of Spiritual Intelligence Model for Human Excellence (SIMHE)". *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 172: 603-610.
- Hoseinpoor, M.H.; A. Yoonesian, A. Khosravi, Y. Sabagh & S. Kolahdoozian (2014). "The Relationship between Spiritual Intelligence and Emotional Intelligence and Mental Health of Students". *Knowledge & Health*, 2: 11-17.
- King, D.B. (2008). **Rethinking Claims of Spiritual Intelligence: A Definition, Model and Xmeasure**. Canada: Master's Thesis, Trent University.
- Krejcie, R.V. & D.W. Morgan (1970). "Determining Sample Size for Research Activities". *Educational and Psychological Measurement*, 30 (3): 608-610.
- Meng, C.; J. Othman, J. D'Silva & Z. Omar (2014). "Influence of Neutralization Attitude in Academic Dishonesty among Undergraduates". *International Education Studies*, 7 (6): 66-73.
- Mohammadnejad, H.; S. Bahrari & F. Heidari (2009). "The Concept of Spiritual Intelligence Based on the Teachings of Islam". *Farhang Dar Daneshgah-E-Eslami*, 42 (2): 96-116.
- Murdock T.B. & E.M. Anderman (2006). "Motivational Perspectives on Student Cheating: toward an Integrated Model of Academic Dishonesty". *Educational Psychologist*, 41 (3): 129-145.
- Murdock, T.B.; A.S. Beauchamp & A. Hinton (2008). "Predictors of Cheating and Cheating Attributions: Does Classroom Context Influence Cheating and Blame for cheating?". *European Journal of Psychology of Education*, 23 (4): 477-492.

- Najari, R.; H. Danaee Fard & M.J. Hozoori (2013). “**Examine and Clarify the Role of Psychological Capital on Organizational Outcomes**”. *Management of PPublic Organizations*, 1 (2): 23-36.
- Roodgar, M.J. (2008). “**The Revival of Religion to Spirituality in a New Spiritual Movements**”. *Book Review*, 46.
- Samadi.P. (2006). “**Spiritual Intelligence**”. *Quarterly J. New Thoughts Educ.*, 2 (3/4): 99-114.
- Simyari, H.; M. Heravi, M. Nasiri & F. Arabi (2015). “**The Relationship between Spiritual Intelligence and General Health**”. *Psychiatric Nursing*, 1: 47-58.
- Sykes, G.M. & D. Matza (1957). “**Techniques of Neutralization**”. In Henry N. Pontell (Ed), *Social Devance*. New Jersey: Prentice- Hall.
- Tas, Y. & C. Tekkaya (2010). “**Personal and Contextual Factors Associated with Students’ Cheating in Science**”. *The Journal of Experimental Education*, 78: 440-463.
- Yadollahpoor, M.H. & M. Fazeli Kebria (2014). “**A Comparative Study of the Concept of Spiritual Intelligence from the Perspective of Psychology and Islam**”. *Islam and Health*, 1: 48-57.
- Yaghoobi, A. (2009). “**Relationship between Spiritual Intelligence with the Happiness of Students in Buali Sina University**”. *Research in Education Systems*, 41: 92-105.



فرهنگ در دانشگاه اسلامی

فرم اشتراک فصلنامه

نام و نام خانوادگی: میزان تحصیلات: شغل:
تاریخ آغاز اشتراک: شماره‌های درخواستی از: تا نشانی:
کد پستی:
صندوق پستی: تلفن: دورنگار: شماره اشتراک:

*Journal of
The Knowledge Studies in The Islamic University
[Motaleate Marefati Dar Daneshgah-E-Eslami]*

First Name: *Sur Name:* *Education:*
Profession:
Address:
Postal Code: *P.O.Box.:* *Tel:*
Fax: *Email:*

علاقه‌مندان به دریافت فصلنامه می‌توانند ضمن پرداخت حق اشتراک یکساله (برای چهار شماره) به همراه هزینه پست عادی ۱۵۰/۰۰۰ ریال به شماره حساب سیبا ۰۲۱۷۰۰۲۳۴۸۰۱۷ نزد بانک ملی تهران شعبه دانشگاه کد ۸۷ به نام معاونت پژوهشی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، اصل فیش بانکی را به همراه فرم اشتراک به آدرس نشریه ارسال کنند. تلفکس: ۰۲۱-۶۶۴۹۸۷۸۴